

بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن

زهرا علیزاده*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۰

اعظم اعتمادی فرد**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۴

میناسادات طباطبایی***

چکیده

هرچند اسلام‌هراسی از اصطلاحات تازه‌ای است که به طور خاص، در زمینه رابطه اسلام و تفکر غرب، تداوم یافته است و به پدیده پیش‌داوری یا تبعیض علیه اسلام و مسلمانان گفته می‌شود، ولی مسأله جدیدی نیست؛ چراکه ظهور اسلام با این پدیده توأمان بوده است. در صدر اسلام همواره مخالفان و معاندانی وجود داشتند که به علت به خطر افتادن منافعشان به ستیز با اسلام برمی‌خاستند و با جدیت و شدت به گونه‌ای عمل می‌کردند که ماهیت این دین مبین و مقاصدش را به گونه‌ای معرفی نمایند که رغبت‌ها را بزدايد و عقول را از توجه به احکام آن منصرف نماید. تاریخ همواره شاهد چنین رفتارهایی در جهت نشان دادن اسلامی ناکارآمد و غیرمنطقی بوده است. سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد، اما پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گستره و عمق آن بیش‌تر شده است. با نگاهی دقیق‌تر به رابطه اسلام و تفکر غرب می‌توان پیشینه تاریخی این مفهوم را در ستیزه‌های مداوم این دو تمدن فرهنگی یافت، هرچند در تکامل این دو تمدن نقاطی از تعامل نیز وجود داشته اما قسمت غالب تعاملات بر اساس تعارض و بر پایه بی‌اعتمادی طرفین بوده است. در این پژوهش سعی بر این است که ابتدا تعریفی جامع از اسلام‌هراسی ارائه شود و پس از آن زمینه‌ها و عوامل رشد اسلام‌هراسی در دوران معاصر بررسی و در انتها راهکارهای قرآنی جهت مقابله با این پدیده و تخفیف آثار آن بیان شود.

کلیدواژگان: اسلام، اسلام‌هراسی، غرب، جهان اسلام.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دشتستان، بوشهر، ایران.

etemadifard@iauyazd.ac.ir

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران.

*** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میمه، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: زهرا علیزاده

مقدمه

بی تردید دین از جمله نیازهای فطری انسان است. علاوه بر فطری بودن دین، نیازهای روحی و روانی نظیر نیاز به آسایش، آرامش و خوشی، پاسخ به احساس تنهایی، نیاز به آزادی، پاسخ به نیازهای عقلانی و احساسی در تاریخ بشر انسان‌ها را به سمت و سوی دین کشاند. حتی قبایلی که دارای پست‌ترین اشکال زندگی بشر بودند نیز به نوعی به عالم ارواح اعتقاد داشته و به صورتی درگیر امر پرستش بودند. لذا بجاست که برخی متفکران تعریف انسان به حیوان ناطق را تغییر داده و او را حیوان دیندار نیز نامیده‌اند (بهشتی مهر، ۱۳۸۶: ۸۳). در حقیقت، جهان‌بینی دینی کامل‌ترین نوع جهان‌بینی است که بشر می‌تواند به آن دست یازد، و چون بدون داشتن جهان‌بینی کامل، تکامل در حوزه علم و عمل به دست نمی‌آید، بنابراین انسان در کمال علمی و عملی خویش نیازمند دین است و براهین و دلایلی که در متون دینی و کتب فلسفی و کلامی بیان گردیده است، شرح و تفسیر این علت اساسی است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۷۵). در این راستا اسلام به عنوان دینی که از دید شمار رسمی پیروان دومین دین رسمی است و به جهت داعیه‌ای که در باب اتقان و اکمال آن مطرح است جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات و مراودات انسانی به خود اختصاص داده است. جهان‌بینی توحیدی تنها جهان‌بینی‌ای است که در آن تعهد و مسئولیت افراد در برابر یکدیگر مفهوم و معنا پیدا می‌کند؛ همچنان که تنها جهان‌بینی‌ای است که آدمی را از سقوط در دره هولناک پوچ‌گرایی و هیچ‌ستایی نجات می‌دهد.

این در حالی است که از سویی جهل و عدم شناخت نسبت به دین اسلام در برخی جوامع خصوصاً غربی و از سوی دیگر هجمه‌های مختلف رسانه‌ای، حملات هالیوودی و تبلیغاتی در راستای وارونه نشان دادن اسلام با انگشت نهادن بر نقاط حساس و القای شبهات مختلف، برجسته سازی تفکر متحجر، عوام فریب، نازیبا و خشن از اسلام، اغواگری و بهم ریختن محاسبات عقل، اسلامی بنیادگرا و سرسخت که تهدیدی قوی نسبت به صلح و امنیت نسل‌های حاضر و آینده است را به نمایش درآورد تا از این رهگذر محاسبات جهالت و غفلت را در جامعه حکمفرما کرده و بر افکار مردم کشورهای خود تسلط داشته باشند و مسیر هرگونه اقبال نسبت به این دین انسانی را به جد

مسدود نمایند. لذا فقدان شناخت صحیح نسبت به دین اسلام سبب برخورد تقابلی با آن تحت عنوان مقوله اسلام‌هراسی شده است که بر اشاعه تبعیض و عداوت نسبت به مسلمانان و تحریف اسلام دلالت دارد. نظر به اهمیت این موضوع، در این پژوهش سعی شده است تا با تحلیل و بررسی این مقوله، راهکارهای قرآنی برای مقابله با آن ارائه گردد.

تعریف اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیض غیر عقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد و از این رهگذر تصویر جدیدی از مسلمانان در ذهن جهانیان ایجاد شده است. مؤسسه رانیمد تراست در انگلیس، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در ۱۹۹۷ اسلام‌هراسی را ترس و نفرت از اسلام و بنابراین ترس و نفرت از همه مسلمانان تعریف کرد و ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. همچنین اسلام‌هراسی در بردارنده این برداشت است که اسلام فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، در مقایسه با غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد و بیش از آنکه دین باشد، یک ایدئولوژی سیاسی است (مرشدی زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۴). در سال ۱۹۹۶ این مؤسسه گزارشی را تحت عنوان «اسلام‌هراسی: چالشی برای همه ما» منتشر نمود. اغلب در تعریف اسلام‌هراسی، تعریف ارائه‌شده از سوی همین کمیسیون مطرح می‌گردد که اسلام‌هراسی را «وحشت یا تنفر از اسلام و نتیجتاً هراس یا تنفر از همه یا اغلب مسلمانان» تعریف می‌کند (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰). این مؤسسه هشت برداشت که جنبه کاربردی داشته و زمینه‌های عملیاتی آن را به خوبی روشن می‌کند مطرح ساخته که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تمدن اسلامی، بلوکی است تکصدا، ایستا، و بدون انعطاف در مقابل تغییرات.
۲. تمدن اسلامی، "دیگر"ی مجزاست که عاری از ارزش‌های مشترک با دیگر فرهنگ‌ها است، به نحوی که از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرد و در آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد.
۳. تمدن اسلامی، تمدنی است فرودست در مقابل تمدن غرب و حاوی بربریس‌م، غیر عقلانیت، بدویت و جنسیت‌گرا.

۴. تمدن اسلامی، تمدنی است خشن، ستیزه جو، تهدیدکننده و حامی تروریسم که خود را در رویارویی تمدنی درگیر کرده است.
۵. اسلام، نوعی ایدئولوژی سیاسی است، که برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود.
۶. انتقادهای مسلمانان در خصوص غرب، انتقادهای کهنه و منسوخ است.
۷. دشمنی با اسلام توجیهی برای رفتارهای تبعیض آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنان از جامعه است.
۸. دشمنی با اسلام امری عادی و متعارف است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

بررسی بستر و پیشینه‌های تاریخی اسلام هراسی

پدیده اسلام هراسی از جمله راهبردی‌ترین موضوعات دنیای مسیحیت اروپایی و امریکایی است که نمی‌توان آن را تنها نتیجه یک دکترین مانند دکترین برخورد تمدن‌ها دانست، بلکه این راهبرد در طول زمان و در یک بستر طولانی تاریخی پرورش یافته است به گونه‌ای که بسیاری از دکترین‌ها مانند «ناهمگونی تمدن‌ها» اثر ریمون آرون و یا «برخورد فرهنگ‌ها» اثر برنارد لویس و یا اثر مشهور ساموئل هانتینگتن به نام «برخورد تمدن‌ها» در پیدایش آن نقش بسزایی داشتند. بنابراین نگاه واقع بینانه به این پدیده یک نگاه فرایندی توأم با فراز و فرودهاست. در ادامه به عوامل مؤثر در پیدایش این پدیده می‌پردازیم.

فتوحات جهان اسلام

یکی از عوامل اصلی دشمنی جهان مسیحیت با اسلام، ترس از گسترش ارضی و غلبه همه جانبه نظامی، سیاسی و فرهنگی آن و درنوردیدن همه مرزهای خاکی و استیلای قلمرو این دین جهانی بوده است. اسلام از همان آغاز، جهان نه چندان محدود آن زمان را فاتحانه به تصرف درآورد و گام به خاک اروپا نهاد. ظهور اسلام در خاک اروپا، از فتح برخی از جزایر روم شرقی در سال‌های پایانی دهه سوم هجری آغاز شد و با وجود قبض و بسط قلمرو مسلمانان در دوره‌های گوناگون، تا سال‌های پایانی قرن دهم هجری ادامه

داشت. فتوحات مسلمانان در اروپا را می‌توان به سه دوره یا سه دسته تقسیم کرد: فتوحات در اسپانیا و سرزمین‌های اطراف آن، فتوحات دریایی و متصرفات دولت عثمانی (ونکی فراهانی، ۱۳۸۴: ۲۰۸). لذا با نگاهی تاریخی می‌توان گفت که جنگ‌های مکرر مسلمانان در اروپا طی قرون نهم و دهم و نیز در قرن چهاردهم و پانزدهم در بدنام شدن تصویر اسلام و ترویج اکاذیب و افسانه‌ها پیرامون آن - آن‌هم در شرایط دشواری ارتباطات میان ملت‌ها - سهیم بوده است. همین تصور منفی از اسلام در ساخت و پرداخت و تعیین نشانه‌ها و شکل‌گیری هویت اروپایی نقش داشت (مرادی، ۱۳۸۷: ۸۲). در واقع این برخوردها و این خاطره‌ای نامیمون با روح بشر مسیحی عجین گردید و روز به روز با سیاست‌های مغرضانه تقویت شد تا اینکه ما به روزگاری رسیده‌ایم که می‌بینیم. یعنی روزگاری اسلام این دین صلح و امنیت و نجات بخشی هم‌ردیف تروریسم و افراطی‌گری معرفی می‌گردد.

جهل غرب و مسیحیت نسبت به اسلام

پروفسور سائرن می‌گوید چهار قرن نخستین تاریخ اسلام را باید "عصر نادانی" جهان مسیحی از اسلام دانست، زیرا در این مدت، اروپاییان تنها کوشش می‌کردند که در فروغ گفته‌های انجیل، آن را مورد تفسیر قرار دهند. /دوارد سعید، پژوهشگر عرب، می‌نویسد: «اروپائیان درباره خاور زمین نوشتند که انسان خاورزمین خردستیز، فاسد، کودک منش و متفاوت است و انسان اروپایی خردگرا، پاکدامن و طبیعی است. پیام روشن‌تر این گونه نوشته‌ها آن است که اصولاً اروپائیان با ویژگی‌های پسندیده‌ای که در سرشت خویش دارند از بقیه جهانیان برترند و از همین روست که باید بر جهان چیره شوند و مردم جهان را به بردگی و استثمار بکشند» (امام جمعه زاده، ۱۳۸۹: ۱۶). آری مسیحیان متوهم در عصر تمدن و علمیت و گفت‌وگو دین آسیایی‌ها را نمی‌پذیرند آنگونه که آباءشان نپذیرفتند، آن‌هم به این جرم که این دین از ابتدا اروپایی نبوده و هر آنچه غیر اروپایی است با عقل و خرد تناسبی ندارد بلکه همسایه خرافه و جهالت است. به اذعان برخی از علمای مسیحی، آموزه‌های اسلام نادرست و غیر حقیقی است به این معنا که در بسیاری از مواقع آن را می‌توان به درستی انحراف عمدی از حقیقت دانست. به این بیان

که پیامبر اسلام آن‌ها را با تعبیرهای تحریف‌یافته‌ای از عهد جدید و قدیم در هم آمیخته و دلیل متقن و یا معجزه‌ای نیز در تأیید مدعای خود نیاورده است از نظر اینان نخستین کسانی که آموزه‌های اسلام را پذیرفته‌اند به طرز شگفت‌آوری اغوا شده‌اند. به این بیان که رواج دین اسلام را مدیون آموزه‌های اسلام در مورد بهشت و نعمات بهشتی از باغ‌های زیبا و پر نعمت گرفته تا جویبارهای پر عسل و به ویژه وعده برخوردارگی از جنس مخالف، حور و پری و زنان زیبای شوهر دوست آن‌هم برای اعراب پر غریزه عربستانی و... می‌دانستند. از طرف دیگر دستورهای اکید اسلام در مورد استفاده از زور و خشونت که بسیار با طبع جسور مرد عرب هم‌خوانی دارد و میل شدید به جنگ و ستیز او را به خوبی ارضاء می‌نماید نیز در این اقبال و رجوع طرف‌العینی و دفعی بی‌اثر نبوده است. برخی از علما و نویسندگان برجسته قرون وسطی مانند *توماس آکویناس* گفته‌اند: «محمد نه تنها صدق را با کذب درآمیخته، بلکه هر جا هم به بیان حقیقت پرداخته، قدری از سم تحریف را به آن افزوده است، از این رو، می‌توان گفته‌های صادق او را چون عسل پالوده به زهر دانست» (ونکی فراهانی، ۱۳۸۴: ۲۰۸). *پروفسور وات* درباره تصویر نادرستی که مسیحیان از اسلام و مسلمانان ترسیم کرده بودند، عنوان می‌کند: «در حالی که مسیحیان حاضر در قلمرو اسلامی در انتقادهایشان ناگزیر به رعایت جنبه احتیاط بودند، اتباع امپراتوری بیزانس در ارائه کاریکاتوری کینه‌آمیز از اسلام هیچ قید و بندی نداشتند. در نزد بیزانسی‌ها اسلام دشمنی بود که بر سرزمین‌هایشان چیره گشته و در مرزهای جنوبی و شرقی تهدیدشان می‌کرد» (بینش، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

علل و عوامل ایجاد و رشد اسلام هراسی

این پدیده که در جهان دارای زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است اسباب و علل متعددی دارد که از درجه اهمیت و قدرت متفاوتی برخوردارند.

۱. تفاوت در ایدئولوژی و جهان بینی تفکر غرب و اسلام

فیلسوفان بسیاری متذکر تمایز جدی فرهنگی و نگرش عمومی ساکنان این اقلیم‌های دوگانه درباره هستی بوده‌اند. این تفاوت و تمایز بیش از آنکه مربوط به موقعیت

جغرافیایی و منطقه‌ای باشد، ناظر بر تقابل دو نوع ایدئولوژی و دو نوع جهان‌بینی است. نوع نگاه و زیرساخت فکری و فلسفی اسلام به جهان، انسان، سیاست، امنیت، معنویت، سعادت، اخلاق، اقتصاد، رفاه و عدالت کاملاً با نوع نگاه غرب متفاوت است؛ به بیانی دیگر رابطه دو نظام با دو ماهیت کاملاً متمایز و متفاوت است که هرگز آشتی نمی‌پذیرند.

نظم مغرب زمینی به لحاظ تاریخی و اصول موضوعه‌اش در تداوم و تمرکزش، بر جهانی فردیت یافته استوار است؛ به بیانی رساتر اتکاء نظام غرب به اومانیسیم در تفکر، به نفس اماره در اخلاق، به اصالت سود در اقتصاد، و به اصالت قدرت در سیاست است (شفیعی‌سروستان، ۱۳۹۱: ۲۸) در حالی که، آیین اسلام یک جهان‌بینی تمام‌نگر و کامل است که از طریق فرایند انجام کنش و مبتنی بر توافق عام، با تأکید بر محوریت دانش در بنیاد جهان و نظام‌های موجود در آن، سرچشمه می‌گیرد (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۸۹: ۷-۳۰) که انعکاس این امر را در متون فیلسوفان متعددی می‌توان مشاهده نمود. در کتاب «سیاحتنامه فیثاغورث» که در سال ۱۳۶۳ چاپ شده و در کتاب «مطالعات اسلامی در غرب» اثر الویری از این موضوع سخن به میان آمده است حتی ارسطو نیز به تفاوت فکر و فرهنگ شرقی و غربی توجه داشته است (الویری، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

در دوران جدید نیز اندیشمندان غربی به اختلاف اساسی بین جهان بینی غرب و جهان بینی شرق اشاره داشته‌اند و علت اساسی دشمنی عمیق و انکارناپذیر یونان نسبت به حریف شرقی خویش، که تاریخ هم نخواسته است با قضاوت‌های بی‌طرفانه خود لکه آن را از دامن پاک کند، ناسازگاری ریشه‌دار میان دو جهان‌بینی و دو گونه مختلف تفکر در آن‌ها یعنی اختلاف‌های آشتی‌ناپذیر درباره رفتار آدمی و مأموریتی که در جهان دارد و کمال مطلوب کلی وی در زندگی دانسته‌اند (شفیعی‌سروستان، ۱۳۹۱: ۱۴).

در وهله اول شاید به نظر برسد که این مباحث تنها در مرحله فکری و فرهنگی نمود پیدا می‌کنند اما با نگاهی تیزبینانه می‌توان دریافت که این تفاوت‌های اساسی نه تنها در مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غرب بروز پیدا می‌کند بلکه اساساً مناسبات اجتماعی و سیاسی غرب بر این مبانی استوار است؛ و از این عمیق‌تر انعکاس این تفاوت در افق فکری و فلسفی در رفتارهای روزانه و عامیانه ساکنین این قلمروهاست. انسان‌های

این دو اقلیم به واقع و در رفتار با هم متفاوت‌اند به گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را از دو جهان متفاوت دانست بدون اینکه بخواهیم غلو آمیز سخن بگوییم.

۲. دشمنی و توطئه

علاوه بر مسائل تاریخی شایسته است مسأله دشمنی غرب و به‌ویژه آمریکا در برخورد با اسلام را مد نظر قرار داد. غرب و آمریکا در طول سالیان پس از جنگ جهانی دوم، همواره سیاست‌های خود را به عنوان مقابله با کمونیسم و شیطان سرخ توجیه می‌کردند و سامان می‌بخشیدند. با فروپاشی شوروی، خطر و تهدیدی که محور سیاست‌ها و توجیه‌کننده رفتار جوامع غربی بود، از بین رفت. یافتن تهدیدی جدید که توجیه‌کننده رفتار سردمداران جوامعی چون آمریکا باشد، یکی از دغدغه‌های طیف مداخله‌گر تهاجمی بود. چین و روسیه، به تناوب در دهه ۹۰ مطرح می‌شدند، ولی قابلیت و شرایط لازم را نداشتند. واقعه ۱۱ سپتامبر با طرح خطر تروریسم اسلامی به سرعت این خلأ را پر کرد و جوامع غربی حول محور مقابله با این خطر فزاینده جدید منسجم شد. بنابراین اسلام و مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین خطر برای امنیت، فرهنگ و تمدن غربی مطرح شد و از سوی رسانه‌ها و مجامع تولیدکننده فرهنگ و رفتار جوامع غربی، مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به صورت دشمن خطرناک، جایگزین خطر کمونیسم شد (امینیان، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

۳. افزایش تعداد مسلمانان در غرب (مسائل دموگرافیک و جمعیتی)

رشد فزاینده جمعیت مسلمانان در جوامع غربی از جمله عوامل مهمی است که در گسترش اسلام هراسی نقش بسزایی داشته است. مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامعی متمایز آن‌هم در دل جوامع غربی و همچنین گرایش غیر مسلمانان در جوامع غربی به اسلام و رشد جمعیت بیش‌تر مسلمانان به نسبت سایر سکنه این کشورها، باعث توسعه جوامع مسلمانان در درون تمدن غربی شده است. اکنون حدود ۱۵ میلیون مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند که بر اساس برآورد ۳۰ سال آینده این رقم به ۵۰ میلیون نفر خواهد رسید. در یک گزارش میزان زاد و ولد مهاجران مسلمان فرانسه سه برابر فرانسوی تباران ذکر شده است (همان: ۱۳۶) و همه این‌ها یعنی شکست

اقتدار و امنیت تمدن مغرور غربی در مقابل تمدن غیر غربی، و اگر این مطلب را هم اضافه کنیم که از لحاظ کیفی مردمی که این تمدن متمول و خودبین را رها می‌کنند و با تحقیق و پژوهش از دست اندازه‌های سخت بدبینی‌های ایجادشده می‌گذرند و نور حقانیت این دیانت زیبا را مشاهده می‌کنند، انسان‌هایی هستند اهل علم و فلسفه و فهم با تأثیرگذاری بالا، راز این بغض و کینه و احساس خطر شدید بیش‌تر هویدا می‌گردد. اولین نگرانی از این جهت است که اگر نفوذ اسلام عامل وحدت بخش مسیحیت تأثیر خود را از دست خواهد داد و دیگر اینکه بحران جمعیتی اروپای آینده و جمعیت روز افزون مهاجران مسلمان، اروپا را با بحران هویتی روبه‌رو می‌کند.

برخی تحلیل‌گران معتقدند که اروپا در حال تبدیل شدن به یک جامعه پسا مسیحی است که به تدریج در حال از دست دادن فهم خود از ارزش‌های تاریخی مسیحیت است. *اوربانا فالاجی* روزنامه نگار معروف ایتالیایی می‌گوید: «دژ مستحکم مسیحیت در اروپا به سرعت جای خود را به دین جاه طلب و مصمم اسلام می‌دهد، و عنصر مشترکی که در طول تاریخ همه اروپایی‌ها را گرد هم جمع کرده مسیحیت است و این عنصر با حضور و نفوذ اسلام روز به روز تضعیف می‌شود» (پوراسمعیلی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

۴. بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان

فرآیند احیای هویت در جوامع اسلامی را می‌توان در عداد دیگر عواملی که موجب پدیده اسلام‌هراسی شده است، نام برد. پس از آنکه یک قرن از ورود تمدن غرب به جهان اسلام گذشت، اعتماد به نفس در میان مسلمانان، از میان رفته بود. آن‌ها گرفتار یأس فرهنگی و خودکم‌تر بینی حقارت آمیزی شده بودند و احساس غالبشان نوعی عقب‌ماندگی بود که راهی جز عبور از آنچه هست برای جبران آن وجود ندارد.

شمار فراوانی از تحصیلکرده‌های جدید، طرفدار و در واقع با شغف فراوان مهبیای آن بودند تا در هویت جهانی غرب هضم شده و گذشته خود را به فراموشی بسپارند. در اصل، اعتماد به نفس که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود و می‌توانست سبب احیای فرهنگ سنتی- اسلامی و رشد و باروری آن باشد، دیگر چندان طرفداری نداشت (جعفریان، ۱۳۷۸: ۱۱۸). در آن موقعیت و شرایط سخت و دشواری که به تدریج اصول

و مبانی دینی با تلاش حکومت‌های طاغوت و سردمداران لائیک فراموش می‌شد و مکتب‌های مادی و الحادی، مذهب را به عنوان «افیون توده‌ها» و فاقد توان لازم برای به حرکت درآوردن توده‌ها و در نتیجه انقلاب می‌دانستند و هر روز هویت دینی و دین‌مداری کمرنگ‌تر می‌گردید (سالار، ۱۳۸۲: ۹۸). پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) - که به تعبیر آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مشهور معاصر، چهره اصلی و مسلط در انقلاب اسلامی بود که تفسیری تازه و انقلابی از افکار شیعی به عمل آورد (رضایی، ۱۳۹۱: ۵۸) - علی‌رغم میل و خواسته غرب صورت گرفت و بیداری اسلامی و آثار و تبعات آن حداقل برای مسلمان‌ها این باور را به وجود آورده است که امکان احیای تمدن اسلامی و تجدید دوران با شکوه و عظمت آن امری ممکن بوده بلکه می‌رود که به صورتی اجتناب‌ناپذیر و قهری واقعیت یابد. این باور که فساد و تباهی اخلاقی در غرب همه جا گیر شده و بروز و ظهور استعدادهای درخشان در جهان اسلام که در سایه اخلاق و تعالیم اسلامی در حال شکل‌گیری است، اساس این باور را شکل می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۸: ۵۲). پدیده بیداری اسلامی از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در جهان اسلام آغاز شد و عناوین دیگری نظیر رنسانس اسلامی، احیاء اسلامی، اصلاح طلبی اسلامی و تجدید حیات اسلامی نیز برای نامیدن آن به کار رفته است، بیش‌تر ذیل عنوان نهضت‌های اسلامی یا جنبش‌های اسلامی شهرت یافت (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۱۷). پیام واحد بیداری اسلامی در تاریخ بدین قرار است که ما دوباره برگشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان بازگردانیم. این احساس و خودآگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و قصد بازگشت به ارزش‌های ناب و راستین گذشته است؛ شرمندگی در برابر عزتی که خداوند به مؤمنین وعده داده است و امروز مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند و بازگشت به اسلام به این معنا که عقب ماندگی ما ناشی از دور شدن از اسلام است (شیرودی، ۱۳۸۸: ۴).

هرچند پیروزی انقلاب اسلامی ایران از اولین جلوه‌های این فرآیند در جهان اسلام بود ولی بازگشت به خویشتن، به ایران منحصر نیست. برخی طغیان‌ها و حرکت‌های انقلابی در جهان اسلام شامل، لبنان، عراق، عربستان سعودی، بحرین، مصر، الجزایر، تونس، مراکش و ... می‌باشد که شاخص‌های اساسی آن به این قرار است: رجوع به قرآن

کریم و سنت پیامبر(ص) و سیره بزرگان اسلام، احساس تأسف نسبت به انحطاط جهان اسلام و تلاش در جهت جبران گذشته‌ها، ایفای نقش جدی اندیشمندان مسلمان در فراهم کردن زمینه‌های بیداری، احساس تقابل و تعارض با نظام‌های سیاسی متأثر از غرب و شرق و نهایتاً تمایل به ایفای نقش واقعی‌تر در معادلات جهانی و نیل به جایگاه واقعی خود و ... (تلاشان، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

۵. گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام

صلح به عنوان بزرگ‌ترین ضرورت جمعی، اساس و قاعده جاودان و پایداری جهان و طبیعت است. انسان‌ها بنا به ویژگی‌های خاصشان، تنها در ایجاد روابط جمعی قادراند تا زندگیشان را دوام دهند. در این میان، صلح مناسب‌ترین بستری است که این روابط جمعی از آسیب‌پذیری در امان مانده و مصونیت خود را حفظ می‌کند. جنگ، خشونت، بی‌عدالتی، تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی که نفی‌کننده صلح‌اند، عملاً زندگی جمعی را به چالش کشیده و روند طبیعی و سازماندهی شده توسعه را کند می‌سازند. از این رو صلح، صفا و صمیمیت و زندگی مسالمت‌آمیز در رأس برنامه‌های دینی قرار داشته و قرآن عظیم الشان همواره بر احیاء و تداوم آن دستور داده و آن را مایه خیر و نیکبختی جامعه بشری شمرده و می‌فرماید: «والصلح خیر»: صلح و آشتی بهتر است. هرچند که اسلام خود به معنای صلح است و صلح و سلامت و امنیت پیوندی عمیق با طبیعت اسلام و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسان دارد و در این فرهنگ، خشونت، جبر و اکراه هیچ مشروعیتی ندارد (مرادزهی، ۱۳۷۹: ۱۰)، ولی عده زیادی از مردم تحت تأثیر تبلیغات مسموم و سوی‌گیرانه از این دین به عنوان ریشه اصلی اکثر ناسازگاری‌ها و جنگ‌ها در جهان امروزه یاد می‌کنند. به طوری که از افتراهای برخی از شرق‌شناسان و غربیان به اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله از گذشته تا کنون آن است که اسلام دین شمشیر، جنگ و درگیری است و پیروان خود را به کاربرد خشونت در ارتباط با دیگران برای حل همه مسائل فی‌ما بین دعوت می‌کند. این اکاذیب فریبنده به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در رسانه‌های غربی، مجلات، بنگاه‌های خبر پراکنی و بیانیه‌های سیاسی بار دیگر رونق گرفت و همچنان در

غرب ادامه دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۴: ۶۴). در حالی که از نظر اسلام صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها، با عقاید و مذاهب گوناگون، عین ارزش و هدف است. هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست بلکه خود "صلح" مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است و در موقعیت صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافق‌ها و سرانجام به یگانگی آیین بشری و گرایش به حق‌امکان‌پذیرتر است (کریمی نیا، ۱۳۸۷: ۵۹) لذا مهم‌ترین دغدغه اسلام تلاش برای پیشگیری از بروز زمینه‌های جنگ و خشونت می‌باشد (علی خانی، ۱۳۸۵: ۱۱۱). شریعت اسلامی که تنها مرجع همه امور زندگی است، دو صفت را برای غیرمسلمانان برمی‌شمارد که عبارت‌اند از صلح طلب و جنگ طلب. اگر صلح طلب بودند، این امری مطلوب و پسندیده ما نیز می‌باشد و با آن‌ها سازش می‌کنیم، اما اگر جنگ طلب بودند، ما نیز مقابله به مثل می‌کنیم و با آن‌ها می‌جنگیم (قرضاوی، ۱۳۸۶: ۵۴). وجود فلسفه جنگ و خشونت در این دین مبین به این جهت است که این دین دینی واقع‌گراست و جنگ و ستیز از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر زیست‌انسانی است و نپرداختن به آن و قوانین و مباحث مطروحه در این باب برای دینی که کامل و تام است و قرار است همه ابعاد زندگی بشر را پوشش دهد قطعاً نقص محسوب می‌گردد اما در نظر نگرفتن این مسأله و بیش از این قلمرو این موضوع را گستردن چه خواسته و عامدانه و چه ناآگاهانه قطعاً به اهداف غرض‌ورزانه در این مورد خواهد انجامید و ناصواب است. چنانکه می‌دانیم پژوهش‌ها و نوشته‌های بسیاری از شرق شناسان فرانسوی و آلمانی و انگلوساکسون، درست در جهت همین اهداف مغرضانه است و حقیقت اصیل در چنین میدانی مظلومانه قربانی می‌گردد؛ برای مثال آنان بیش‌تر در آن بخش از فقه اسلامی که به جنگ‌ها مربوط است، تمرکز و تأمل می‌کنند و به پاره‌ای آیات مربوط به جنگ و جهاد، بدون کاوش در زمینه و چارچوب تاریخی آن‌ها توجه می‌کنند و این احکام و آیات را نشانه‌گر گرایش جنگ طلبانه اسلام می‌دانند و آن را درست در مقابل گرایش و رسالت صلح طلبانه انجیل می‌نشانند. غالب علمای مسلمان هم یا از سر بی‌تفاوتی و تنبلی و یا با دلایل سست و نادرست از وظیفه پاسخگویی به این ادعاهای واهی و بی‌اساس‌شانه خالی می‌کنند؛ جز شمار اندکی از آنان که همچنان رهاورد سترگ محمد عبده را در آغاز قرن بیستم - در پاسخگویی به شبهات فرح‌آنطون -

ادامه می‌دهند(مرادی، ۱۳۸۶: ۲۷). در ادامه چشم انداز کلی و راهبرد اساسی قرآن درباره هم‌زیستی در قالب تنها چند آیه بررسی می‌شود.

قرآن مجید جنگ افروزی را مذمت و منشأ آن را فساد و تباهی می‌داند:

«و چون حاکمیت یابد، در راه فساد در زمین می‌کوشد و زراعت‌ها و

چهارپایان را نابود می‌سازد»(بقره/ ۲۰۵)

قرآن به صلح و زندگی مسالمت آمیز دعوت می‌کند:

«ای ایمان آوردگان! همگی در صلح و آشتی درآیید؛ و از گام‌های شیطانی

پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست»(بقره/ ۲۰۸)

قرآن اهل کتاب را به اصول مشترک که بزرگ‌ترین بنیاد و زیرساخت هم‌زیستی

مسالمت آمیز است فرامی‌خواند:

«بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که بین ما و شما یکسان است؛

که جز خداوند یکتا را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم»(آل

عمران/ ۶۳)

قرآن هرگونه تعدی، تجاوز و ستمگری را محکوم و از آن نهی می‌نماید:

«تعدی و تجاوز نکنید، زیرا خداوند ستم‌پیشگان و تجاوزگران را دوست

ندارد»(بقره/ ۱۹۰ و مائده/ ۸۷)

۶. خلط میان دین اسلام و وضع کنونی مسلمانان

عامل مهم دیگری که نقشی بسزا در ایجاد پدیده اسلام‌هراسی داشته است، خلط نمودن دین اسلام و وضع کنونی مسلمانان می‌باشد. امروزه روی مسائلی نظیر اینکه چرا مسلمانان در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... از غیرمسلمانان عقب مانده‌اند و یا چرا غیرمسلمانان در موارد بسیاری از مسلمانان گوی سبقت را ربوده‌اند، بسیار مانور داده می‌شود. دوره عرب پیش از اسلام را در اصطلاح دوره جاهلیت نامیده‌اند که در آن شرک و کفر و سنت‌های زشت بسیاری رواج داشت، بعد از بعثت رسول گرامی اسلام، اصول و ارزش‌های جاری در جامعه که علیه دنیا و آخرت مردم بود به ارزش‌های انسانی و الهی تبدیل شد. تمام قوانین و ملاک‌های ظاهری و

مادی جای خود را به معیارهای ارزشمند و متعالی داد. آری بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله ارزش‌های ضد انسانی را دگرگون کرد (تبریزی، ۱۳۸۴: ۸۰) و نهایتاً در نتیجه چنین انقلاب و دگرگونی‌ای در صدر اسلام مسلمانان چنان پیشرفت نمودند که بخش وسیعی از جهان و جهانیان را تحت تأثیر تمدن و فرهنگ غنی اسلامی قرار دادند. اهمیت علم و دانش در اسلام به قدری است که اولین کلمه‌ای که خداوند متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل فرمود: اقرأ (بخوان)! بوده است. ارزش و اعتبار عالم و دانشمند به علم و دانش اوست و این یک تصادف نیست که در کتاب وحی الهی قرآن مجید، متجاوز از هفتصد مورد ماده علم و مشتقات آن به کار رفته و در اولین آیات نازل شده سخن از علم، دانش و قلم آمده است: «همان کسی که به وسیله قلم تعلیم انسان نمود» (علق/۴).

جوهر لعل نهر در این باب می‌گوید: «شگفت‌انگیز است که این نژاد عرب که در طول قرون انگار در حال خفگی به سر می‌برد ناگهان بیدار شد و با نیرو و قدرتی شگرف، دنیا را زیر و رو ساخت. سرگذشت عرب‌ها و داستان اینکه چگونه به سرعت در آسیا و اروپا و آفریقا توسعه یافتند و فرهنگ و تمدن عالی و بزرگی به وجود آوردند، یکی از شگفتی‌های تاریخ بشری است» (انصاری، ۱۳۸۸: ۱) اما مواردی مانند ایجاد حکومت‌های موروثی در جهان اسلام و فقدان زمینه‌های مناسب برای عملی شدن اسلام واقعی، فقدان وحدت و ثبات لازم برای پیش برد در جهان اسلام، خودباختگی و نداشتن اعتماد به نفس، وجود جنگ‌های مستمر و استمرار استبداد، پیدایش استعمار و به قول شهید مطهری عمل حاکمان اسلامی و از میان رفتن عدالت اجتماعی (کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۲) و استبداد سیاسی و جمود و خشک‌اندیشی و نفوذ اندیشه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه (رحمانیان، ۱۳۸۹: ۱۶۷) و به قول دکتر شریعتی تحریف و مسخ آموزه‌های اصیل اسلامی (تبدیل دین اسلام مبتنی بر اجتهاد، عقل‌گرایی و متد علمی استقرائی و تجربی و عینی و دیگر عناصر و آموزه‌های ترقی‌آفرین به آخرت‌گرایی افراطی و عقل‌ستیزی و متد قیاسی و ذهنیت زدگی) (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۱۳۵) موجبات عقب‌ماندگی مسلمانان در طول تاریخ را فراهم نمود. نتیجه فرآیند فوق‌این شد که مسلمانان به لحاظ مشارکت در تمدن بشری و ارتقای سطح بشری هم در سطح سیاسی هم در سطح اقتصادی و هم در سطح فرهنگی در رتبه‌ای پایین‌تر از دیگر ملل قرار گیرند.

زندگی کردن بسیاری از مسلمانان زیر خط فقر نیز شاهدهی بر ضعف مسلمانان از حیث سطح اقتصادی می‌باشد و از حیث فرهنگی نیز نمی‌توان منکر شرایط موجود شد. با در نظر گرفتن اینکه جنبش‌های صهیونیسم و استعمار در جهت بزرگنمایی این نابسامانی‌ها نیز از هیچ دسیسه‌ای فروگذار نکردند ناخودآگاه نوعی هم‌ذات‌پنداری، میان اسلام و فقر و عقب‌ماندگی ایجاد شد و ریشه ضعف و پس‌ماندگی مسلمانان، به اسلام نسبت داده شد و گمان می‌شود واپس‌گرایی مسلمانان از سوی دین اسلام است و پیشرفت جوامع غیر مسلمان مرهون بی‌دینی است (رحمانیان، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

۷. تحریف

تحریف در دین و آئین از جمله بلاهایی است که انسان‌ها به آن دچار هستند، بلایی که خیلی نرم اتفاق می‌افتد. واژه تحریف از ریشه "حرف" به معنای کناره، گوشه و اطراف یک چیز گرفته شده است. تحریف عبارت است از مایل کردن، بردن به کنار و از جایگاه خود دور کردن و دگرگون ساختن. و تحریف سخن به معنای متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده و در نتیجه، ایجاد نوعی تغییر و دگرگونی است. (شمخی، ۱۳۹۰: ۸۵).

تحریف اصول گفتمان اسلامی و تبیین آن‌ها در قالب نظریه‌ها و یا الگوهای عملی‌ای که مورد تنفر جامعه مخاطب است، از دیگر عوامل اسلام‌هراسی به شمار می‌آید. ترسیم تصویر ناموزون و غیر واقعی از اسلام در میان اروپاییان برای جبران احساس حقارت آنان ضرورت داشت. اروپاییان معتقد بودند که شهوترانی و خودکامی در دین اسلام کاملاً تجویز شده است. نویسندگان غربی، اکثر آیات قرآن را به غلط و مغرضانه ترجمه و توجیه و تفسیر نمودند که بتوانند از نظر امور جنس، مطالب مورد نیاز را اخذ کنند و بر اسلام بتازند و سعی داشتند با ترویج اتهاماتی نظیر رابطه جنسی غیر طبیعی و غیر انسانی زن و شوهر، تجویز لواط بین مسلمانان و اموری از این قبیل اسلام را بکوبند (ثواقب، ۱۳۸۰: ۶۸). از طرفی نیز اقداماتی در تحریف اصولی چون جهاد بر مبنای این دیدگاه که "جهاد" مصداق کامل "قتال" شناسانده می‌شود (جانی پور، ۱۳۹۲: ۷۹) به این موضوع دامن زده است.

آیات زیر بر این موضوع دلالت می‌کند:

«با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و ...
کارزار کنید» (توبه/۲۹)

«ای مؤمنان کافرانی که نزد شمایند را بکشید! تا در شما درشتی و شدت
را بیابند» (توبه/۲۹)

«چون با کافران روبه‌رو شوید، باید گردنشان را بزیند. تا آنگاه که از
خونریزی بسیار دشمن را از پا در آوردید پس از آن، اسیران جنگ را محکم
به بند کشید آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة. تا آنگاه که جنگ به
پایان آید. و این است حکم خدا» (محمد/۴)

«با کافران نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین همه دین خدا
گردد» (انفال/۳۹)

«اینان لعنت‌شدگان‌اند. هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی
کشته شوند» (احزاب/۶۱)

بدون در نظر گرفتن این نکته که اولاً بررسی روش‌های مختلف مورد استفاده قرآن
در رویارویی با جریان‌های مخالف بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها و با توجه به اهداف و
مقاصد سوره به خوبی نشان می‌دهد که قرآن ابتدا روش‌های دعوت، برهان، موعظه و
جدال احسن را به کرات مورد استفاده قرار داده و جهاد آخرین روش می‌باشد و در ثانی
بررسی استعمالات واژه جهاد و قتال در قرآن نشان می‌دهد که در قرآن جهاد با قتال
تفاوت دارد. بنابراین لازم است کسی که مطلبی را از قرآن کریم به عنوان احکام دینی و
دستورهای الهی منعکس می‌کند باید با دقت تمام از مجموع قرآن و با در نظر گرفتن
تمام آیات آن را به دست آورد نه اینکه هر آیه‌ای را به ظاهرش نگاه کند و بلافاصله حکم
را صادر نموده و مردم را به آن دعوت کند. مثلاً در قرآن کریم با وجود آیات جهاد
خداوند فرموده است:

«خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه
دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند
چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه

با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانند... و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ستمگر است» (ممتحنه/ ۸- ۹)

در این ارتباط می‌توان اقدامات گسترده آمریکا ضد جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تحریف تصویر ایران در انظار جامعه جهانی را به صورت خاص تحلیل کرد. چنانکه اسپوزیتو نشان می‌دهد، توسعه مرزهای نفوذ انقلاب اسلامی منجر شد تا گفتمان رقیب لیبرال برای صیانت از هژمونی خود، میزان جذابیت گزاره‌های اسلامی را با تحریف تصویر ایران کاهش دهد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۹).

۸. اقدامات خشونت‌آمیز مسلمان‌نمایان تندرو

اسلام‌گرایی نشانه‌ای است که در میان نشانه‌ها و دال‌های دیگر برای جریان سیاسی فکری اسلامی به کار رفته است. واژه‌هایی چون بنیادگرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی و عناوین دیگر از جمله واژگانی هستند که کاربرد زیادی دارند. محققان جنبش‌های اسلامی از تعبیر مختلفی در بیان این پدیده استفاده کرده‌اند. در کل به نظر می‌رسد در بین واژگان موجود دال‌هایی چون اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی واژگان مناسب‌تری برای توصیف و نامگذاری کلان جریان اسلامی معاصر می‌باشند (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۲۸). اسلام سیاسی گفتمانی است که اسلام را در کانون رفتار سیاسی خود قرار داده است و در غیرت‌سازی با گفتمان غرب شناخته می‌شود. اما آنچه امروزه به اسلام سیاسی اهمیت زیادی می‌دهد، این است که گروهی از مروجان آن به خشونت علیه مخالفان از جمله جهان غرب روی آورده‌اند. این خشونت که از آن به چهارمین موج ترور یا موج مذهبی تروریسم نیز یاد می‌کنند بدون تردید محصول عملکرد گروهی به نام القاعده است که در تحولات اخیر جهان اسلام نقش وافر در تغلیظ رادیکالیسم اسلامی داشته است (فراتی، ۱۳۹۱: ۲).

ظهور رژیم بنیادگرای افراطی طالبان و عملکرد آن در افغانستان، گسترش عملیات نظامی گروه القاعده در خاورمیانه علیه منافع آمریکا در آفریقا، یمن و در نهایت، حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نابودی برج‌های تجارت جهانی در نیویورک که در آن عده‌ای در

غرب با استفاده از ابزار تبلیغات، اعمال خلاف اسلام و خشونت‌بار مسلمان‌نمایان را اعمال اسلامی، جلوه داده (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۷: ۲۰۰)، کشتارهای فرقه‌ای در پاکستان، بمب گذاری‌های هولناک در میان عزاداران عاشورا و سایر اقدامات گسترده خشونت‌بار علیه مراکز غیر نظامی در عراق (۲۰۰۴)، و گروگان‌گیری‌ها و کشتار غیر نظامیان در روسیه و ترکیه در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم به ویژه در اوت ۲۰۰۴، توجه ناظران سیاسی و تحلیل‌گران مسائل جنبش‌های اسلامی و نیز دولتمردان غرب و منطقه را به کاربرد خشونت در میان اسلام‌گرایان جلب کرد. این جریان‌های خشونت‌گرا، غافل از این بودند که این نوع عملیات افراطی زمینه را برای سرکوب تمام عیار و گسترده جنبش اسلامی و مخدوش کردن چهره اسلام در سطح جهان فراهم خواهد ساخت (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۹).

۹. تبلیغات رسانه‌ای

امروزه نقش رسانه در ذهنیت‌سازی افکار عمومی بر هیچ کس پوشیده نیست، به گونه‌ای که در اختیار داشتن رسانه خود مدیریت ذائقه جمعی است به سود صاحبان. آن‌ها به دلیل جایگاه محوری خود در افکار عمومی، این توانایی را دارند که به طرح و تعریف مباحث مورد نظر خود پردازند. از جمله مسائلی که در چند دهه اخیر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مورد توجه رسانه‌های جهانی و به صورت خاص رسانه‌های غربی قرار گرفته، بحث اسلام‌هراسی و القای ترس و وحشت از اسلام در جهان امروز است (درخشه، ۱۳۹۱: ۲۹۰). رسانه‌های غربی، تصویری غیر واقعی از مسلمان و اسلام ارائه داده و برداشتی یک‌جانبه از اسلام را به افکار عمومی غربی‌ها عرضه کرده‌اند. شیوه‌ها و ابزارهای آمریکا و غرب برای اسلام‌زدایی و اسلام‌هراسی، بسیار متنوع است. امروزه قدرت پیام رسانه‌ها، از مهم‌ترین عوامل اقتدار اجتماعی محسوب می‌شود. کسی که رسانه را در اختیار داشته باشد، می‌تواند نقش کنترل اجتماع را به آسانی، در جامعه ایفا کند که الان این قدرت در دست غرب قرار دارد (شیرودی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

راهکارهای قرآنی مقابله با اسلام‌هراسی

برای دستیابی به راهکارهای قرآنی در خصوص مسأله مورد بحث به شرح مختصر آیات ذیل می‌پردازیم.

۱- توجه به مبانی اسلام در پرهیز از اختلاف و پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ای و مرزی. قرآن کریم گوناگونی آراء و دیدگاه‌ها را امری طبیعی می‌داند که می‌بایست با جدال احسن به رأی واحد منجر شود، ولی از باقی ماندن این اختلاف و پیامدهای آن بیم می‌دهد. این نحو از اختلاف باعث پراکندگی نیروها و از بین رفتن قوا می‌شود و مانع از بهره‌گیری از تمام امکانات موجود در راه پیشرفت می‌گردد «و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید و با همدیگر کشمکش مکنید که سست می‌شوید و مهابت شما از بین می‌رود» (انفال/۴۶). پیامبر اسلام تنها راه پیشرفت را راه مستقیم می‌داند و از تفرقه در این راه نهی می‌کند:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ (انعام/۱۵۳)

«و این راه راست من است. پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید، که شما را از راه او پراکنده می‌سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده تا شاید شما [خود را] حفظ کنید» خداوند متعال نیز پیامبرش را از دوستی و ارتباط با کسانی که منشأ تفرقه می‌شوند، منع کرده است:

«در حقیقت کسانی که دینشان را پراکنده ساختند، و گروه گروه گردیدند، تو هیچ چیزی (از رابطه) با آنان نداری» (انعام/۱۵۹)

این مسأله در آیاتی که به چنگ زدن به دوری از تفرقه دستور داده شده است، مورد تأکید قرار گرفته است.

۲- ضرورت نقش‌آفرینی مردم در مدیریت کشورهای اسلامی با اجرای نظام مردم‌سالاری اسلامی. خداوند در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: «همانا خداوند هرگز سرنوشت ملت‌ها را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود آن ملت اراده نمایند». در این آیه که یکی از آیات اعجاز‌گونه قرآن کریم در مورد دموکراسی یک ملت است، بیان اصل آزادی

در دموکراسی مد نظر است و مفهوم کلی آن است که هرگز خداوند هیچ ملّتی را تحت سیطره دیکتاتوری قرار نداده است و اصل آزاداندیشی در این آیه بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۷).

۳- لزوم مرزبندی دقیق میان اسلام‌گرایی با تحجر و افراط. از منظر قرآن کریم از اصلی‌ترین عوامل اعراض از حق و حقیقت و به تبع، از مهم‌ترین موانع رسیدن به پیشرفت، جهل به حقیقت است:

﴿بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ (انبیاء / ۲۴)

«اما بیش‌تر آن‌ها حق را نمی‌دانند؛ و به همین دلیل (از آن) رویگردان‌اند»
این نادانی و جهل باعث ارتکاب خطا و بازماندن از پیشرفت است.

﴿يَعْمَلُونَ الشُّوْءَ بِجَهْلَةٍ﴾ (نساء / ۱۷)

«کار بدی را از روی جهالت انجام می‌دهند»

جمود بر برخی قالب‌های دینی و فراموش کردن اساس و روح حاکم بر احکام دینی، زمینه بهره‌گیری از دین به عنوان منبعی برای ارائه راهکارهای پیشرفت را سلب می‌کند. تحجر باعث می‌شد تا افراد در برابر نوآوری‌های پیامبران مقاومت کنند و آن را نپذیرند. قرآن کریم از جمله علت‌های مخالفت کفار با قرآن و ردّ آن را همین مسأله می‌داند:

﴿مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ﴾ (ص / ۷)

«ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم. این تنها یک آیین ساختگی است»

یا در برابر دعوت حضرت نوح می‌گفتند: «ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده‌ایم» (مؤمنون / ۲۴). حتی اشراف قوم شعیب به او می‌گفتند که باید به اعتقادات قبلیشان برگردد (اعراف / ۸۸). بدیهی است که برخی قالب‌ها برای دورانی خاص پاسخگوست و نمی‌توان آن‌ها را برای تمام دوران تجویز کرد، در حالی که پویایی اسلام اقتضا دارد در هر زمان پاسخگو به نیازهای بشر باشد (مسترحمی، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۵۴). به تعبیر شهید مطهری اسلام هرگز به صورت ظاهر زندگی نپرداخته است. تعلیمات اسلام همه متوجه روح و معنا و راهی است که بشر را به آن هدف‌ها و معانی می‌رساند. اسلام هدف‌ها، معانی و ارائه طریق رسیدن به آن هدف‌ها را در قلمرو خود گرفته و بشر را در

این امر آزاد گذاشته است و به این وسیله از هرگونه تصادمی با توسعه و تمدن و فرهنگ پرهیز کرده است (مطهری، ۱۳۶۹: ۸۴).

۴- مبارزه با نمادهای تندروی دینی، شبهات مطرح‌شده در رابطه با دین، تبعیض مذهبی و خشونت بر ضد افراد به دلایل عقاید دینی. با اینکه قرآن مجید در محیطی نازل شد که از جهات مختلف بسته بود و ارتباط محدودی با جهان خارج از جزیره داشت و مسأله قومیت و نژاد و زندگی قبیله‌ای بر همه شئون آن حاکم بود، محصول چنین محیطی طبعاً باید رنگ قومیت عربی، بلکه رنگ قبیله‌ای داشته باشد، ولی جالب اینکه قوانین قرآن به هیچ وجه چنین رنگی را ندارد و حتی یک بار خطاب «أَيُّهَا الْعَرَبُ» در قرآن دیده نمی‌شود. همه سخن در قرآن از عموم انسان‌ها است و خطاب‌ها به شکل «یا بنی آدم»، «یا أَيُّهَا النَّاسُ»، و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و «یا عبادِی» و «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» است. به این ترتیب مخاطبین قرآن همه جهانیان؛ و قوانین آن ناظر به همه انسان‌ها است. آیات:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء / ۱۰۷)

«تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم»

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان / ۱)

«زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد»

﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (یوسف / ۱۰۴)

«آن نیست مگر تذکری برای جهانیان»

و مانند آن، گواه دیگری بر این مدعا است. قرآن امتیازات نژادی را در آن محیط نژادپرست به کلی حذف کرده است و با منطق زیبایی "شما همه فرزندان آدم‌اید و از یک پدر و مادر آفریده شده‌اید" مردم را مخاطب قرار می‌دهد و همه را برادر اعلام می‌کند، و پیوند همه انسان‌ها را در سرحد اخوت تحکیم می‌کند.

۵- معرفی اسلام به دنیا به عنوان دینی است که هم به ابعاد معنوی زندگی بشر و هم به زندگی دنیایی و مادی توجه دارد. این آیات خود به چند گروه زیر تقسیم می‌شود؛ آیاتی که قرآن را برای «جهانیان» یا «مردم» می‌داند؛ مانند:

﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (انعام / ۹۰)

«آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان (چیز دیگری) نیست»

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ (کهف / ۵۴)

«و هر آینه در این قرآن برای مردم از هرگونه مثالی آوردیم»

و آیاتی که پیروان ادیان گوناگون را مورد خطاب قرار داده و آنان را به ایمان به قرآن و معارف آن دعوت کرده و یا سعادت جاودانه‌شان را به آن پیوند داده است؛ مانند «همانا کسانی که ایمان آوردند (مسلمانان) و کسانی که یهودی شدند و صابئان و نصرانیان و گبران و کسانی که مشرک شدند، خداوند میانشان روز رستاخیز داوری می‌کند، همانا خدا بر هر چیزی گواه است» (حج / ۱۷) آیات پیش‌گفته بر عمومیت دعوت قرآن برای همه مردم جهان دلالت دارند.

۶- مورد مطالعه قرار دادن کانون‌های رخنه و فرق افراطی مثل وهابیت از رویکرد

امنیت ملی

۷- تبیین و تدوین نقشه راهبردی مدون و منسجم برای مهار شیعه ستیزی

۸- تبیین نظام جامع دیپلماسی فرهنگی و بهره‌مند شدن از آن برای مواجهه با اسلام

هراسی

نتیجه بحث

اسلام و غرب مدت زمان زیادی است که در تعامل با یکدیگر به سر می‌برند، این تعاملات سیری سینوسی داشته و هر از چند گاهی از دوستی به دشمنی حرکت نموده است، اما زمینه‌های تعارض مانند هم‌مرز بودن، تعارض در برداشت‌های فرهنگی و عدم شناخت کافی که موجب عدم اعتماد طرفین و غیر قابل پیش‌بینی بودن آن‌ها می‌شود به عنوان مانعی جهت لا ینحل بودن این مسأله شده است. ناگفته پیداست که مسائل جغرافیایی را نمی‌توان تغییر داد ولی با ایجاد برنامه‌هایی جهت شناخت بهتر اسلام به غریبان و همچنین با فعالیت‌هایی در جهت تفهیم منطق اسلام به آنان برای قابل پیش‌بینی سازی رفتار برای آن‌ها و همچنین تلاش در فهم بهتر منطق غربی‌ها می‌توان تا حدودی در جهت ایجاد همدلی حرکت کرد.

کتابنامه

- احمدی، حمید. ۱۳۹۰ش، اسلام‌گرایی و مسأله خشونت، جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- الویری، محسن. ۱۳۹۲ش، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بینش، عبدالحسین. ۱۳۸۶ش، نگاهی نو به جنگ‌های صلیبی، قم: نشر زمزم هدایت.
- ثواب، جهانبخش. ۱۳۸۰ش، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم: بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۹ش، ختم نبوت، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب اسلامی.

مقالات

- افتخاری، اصغر. ۱۳۸۹ش، «دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، مجله رسانه، جلد بیستم، شماره ۲، صص ۲۹-۴۳.
- امام جمعه زاده، جواد. ۱۳۸۹ش، «ایران فرهنگی تعامل یا تقابل با هویت غرب»، غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۵-۳۷.
- امینیان، بهادر. ۱۳۸۸، «اسلام‌هراسی در غرب، علل و بازیگران»، مجموعه مقالات همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، روندها و راه حل‌ها، تهران: صص ۱۲۹-۱۴۱.
- انصاری، علیرضا. ۱۳۸۸ش، «عقب‌ماندگی جهان اسلام»، معارف اسلامی، سال بیست و هشتم، شماره ۷۸، صص ۱-۱۰.
- ایمان، محمد تقی و کلاته ساداتی، احمد. ۱۳۸۹ش، «جستاری در جهان‌بینی و علم»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، صص ۷-۳۰.
- بخشی شیخ احمد، م. ۱۳۸۷ش، «القاعده و تروریسم مذهبی»، علوم سیاسی، شماره ۴۱، صص ۱۹۳-۲۱۶.
- بهروزلک، غلامرضا. ۱۳۸۶ش، «اسلام‌سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر»، پگاه حوزه، شماره ۲۰۹، صص ۱۲-۳۰.
- بهشتی مهر، احمد. ۱۳۸۶ش، «نیاز به دین از دیدگاه شهید مطهری»، معرفت، شماره ۱۱۳، صص ۸۳-۹۸.
- پوراسمیعی، نجیمه. ۱۳۹۰ش، «ترس اروپا از اسلام به نام دفاع از هویت: پیامدهای منفی برای مسلمانان»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، صص ۱۰۰-۱۱۸.

- تبریزی، عبدالکریم. ۱۳۸۴ش، «اهداف بعثت پیامبر(ص)»، مبلغان، شماره ۶۹، صص ۷۶-۸۷.
- تلاشان، حسن. ۱۳۹۲ش، «نمود هویت قرآنی انسان در بیداری اسلامی»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی انسان پژوهی دینی سال دهم، شماره ۲۹، صص ۱۵۹-۱۸۵.
- جانی پور، محمد و ستوده نیا، محمدرضا. ۱۳۹۲ش، «جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول، صص ۷۵-۹۲.
- جعفریان، رسول. ۱۳۷۸ش، «انقلاب اسلامی ایران در دنیای جدی‌د»، حضور، صص ۱۱۴-۱۳۷.
- خرمشاد، محمدباقر. ۱۳۸۸ش، «انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی»، مجموعه مقالات گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، به اهتمام جلال درخشه، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید محمد مهدی. ۱۳۹۱ش، «ابعاد اسلام هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۲۷۵-۲۹۸.
- ربانی گلپایگانی، علی. ۱۳۷۶ش، «ضرورت و رسالت دین»، پیام حوزه، شماره ۱۵، صص ۷۵-۹۶.
- رضایی، اسدالله. ۱۳۹۱ش، «نقش امام خمینی(ره) در احیای هویت ایرانی اسلامی»، رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۵۷، صص ۵۵-۵۸.
- سالار، محمد. ۱۳۸۲ش، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در سطوح مختلف فرمانطقه‌ای»، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷ و ۸، صص ۹۲-۱۰۶.
- شمخی، مینا. ۱۳۹۰ش، «تحریف پذیری و یا تحریف ناپذیری الفاظ قرآن و کتاب مقدس»، بینات، سال هجدهم، شماره ۳، پیاپی ۷۱، صص ۸۵-۱۰۰.
- شیرغلامی، خلیل. ۱۳۹۰ش، «اسلام هراسی و اسلام ستیزی ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، صص ۹۹۶-۱۰۲۲.
- شیروودی، مرتضی و کاظمی، آصف. ۱۳۹۰ش، «نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب»، سخن تاریخ، شماره ۱۴، صص ۱۳۷-۱۷۹.
- شیروودی، مرتضی. ۱۳۸۸ش، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۷۳-۱۰۵.
- علی خانی، علی اکبر. ۱۳۸۵ش، «کرامت انسانی و خشونت در اسلام»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۳، صص ۱۶۵-۱۹۱.
- فراستی، عبدالوهاب و بخشی شیخ احمد، مهدی. ۱۳۹۱ش، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره دوم، صص ۱-۳۴.

- قاسمی حامد، مرتضی. ۱۳۹۲ش، «نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن و تاریخ»، فصلنامه حبل المتقین، دوره دوم، صص ۷۴-۹۲.
- قرضوی، یوسف. ۱۳۸۶ش، «حد فاصل خشونت و تروریسم در اسلام»، ترجمه جهاندار امینی، فروغ وحدت، شماره ۹، صص ۵۰-۵۷.
- قنبرلو، عبدالله. ۱۳۸۹ش، «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام هراسی در غرب»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- کریمی نیا، محمد مهدی. ۱۳۸۷ش، «نقش دین اسلام درباره صلح و اصول محدودکننده جنگ»، کوثر معارف، سال چهارم، شماره پنجم، صص ۵۷-۹۲.
- کلاتری، میکائیل. ۱۳۸۹، «علل عقب ماندگی مسلمانان»، معارف اسلامی، سال ۲۹، ش ۸۰، صص ۱۴-۳۰.
- مرادزی خاشی، عبدالمجید. ۱۳۷۹ش، «خشونت در اسلام»، ندای اسلام، شماره ۲، صص ۵۸-۷۹.
- مرادی، مهدی. ۱۳۸۶ش، «برداشت‌های اروپایی از اسلام»، پگاه حوزه، شماره ۲۰۶، صص ۲۷-۳۱.
- مرادی، مجید. ۱۳۸۷ش، «اروپا و اسلام؛ تاریخی از سوء تفاهم»، پگاه حوزه، شماره ۲۵۰، صص ۲۶-۳۵.
- مرشدی زاد، علی و غفاری هاشجین، زاهد. ۱۳۸۶ش، «اسلام هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۱۳-۱۳۹.
- مسترحمی، سید عیسی. ۱۳۹۳ش، «قرآن و علم»، شماره ۱۵، صص ۱۲۹-۱۵۴.
- میرمحمدی، مصطفی. ۱۳۸۴ش، «شریعت صلح و رحمت»، اندیشه تقریب، شماره ۳، صص ۶۳-۸۲.
- نجفی فیروزجایی، عباس. ۱۳۸۲ش، «بنیادهای فکری القاعده و وهابیت»، راهبرد، ش ۲۷، صص ۲۳۲-۲۵۶.
- ونکی فراهانی، م. ۱۳۸۴ش، «گذری بر اندیشه دینی در غرب»، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- Runnymede trust, the Islam phobia: a challenge for us all, London: Runnymede Trust. Form hereon, 1997.
- Savage, Timothy, "Europe and Islam: Crescent Waxing, Cultures Clashing", The Washington Quarterly, 2004.

Bibliography

Ahmadi, Hamid, 2011, Islamism and the issue of violence, Political Sociology of Islamic Movements, Tehran, Publisher: Imam Sadiq University (AS).

- Eftekhari, Asghar, 2010, Two Faces of Islamophobia; A Bad and Positive in the Promotion of the West, Media Magazine, Volume Twenty, No. 2, pp. 29- 43.
- Imam Jumazadeh, Jawad, 2010, Iran Cultural Interaction or Confrontation with Western Identity, Basic Westernism, Humanities Research Institute and Cultural Studies, First Year, Second Edition. Pages 15-37.
- Aminian, Bahador, 1388, Islamophobia in the West, causes and actors, Proceedings of the conference of Islamophobia after September 11, Causes, Trends and Solutions, Iran, Tehran, pp. 129-141.
- Ansari, Alireza, 2009, The Longevity of the Islamic World, Islamic Education, Year Twenty-Eighth, No. 78, pp. 1-10.
- Iman, Mohammad Taghi, Kalateh Sadaty, Ahmad, 2010, A Survey on Worldview and Science, Social Cultural Knowledge, First Year, No. 4, pp. 7-30.
- Shaikh Ahmad, M, 1387, Al-Qaeda and Religious Terrorism, Political Science, No. 41. Pages 193-216.
- Barezolak, Gholamreza, 1386, Political Islam and contemporary Islamists, Pegah Hosa, No. 209.Ph. 12-30.
- Beheshti Mehr, Ahmad, 2007, The Need for Religion from the Viewpoints of Martyr Mutahhari, Knowledge No. 113. 83-98.
- Insight, Abdolhossein, 2007, A New Look at the Crusades, Qom, Zamzam Hedayat Publishing.
- Pourasemili, Nijima, 1390, Europe's fear of Islam in the name of identity defending: negative implications for Muslims, International Center for Peace Studies, pp. 100-118.
- Tabrizi, Abdolkarim, 2005, The Purposes of the Prophet's Prophet (pbuh), Missionaries, No. 69. pp. 76-87.
- Taleshan, Hassan, 1392, Demonstration of the Qur'anic Identity in Islamic Awakening, Two Journal of Religious Humanist Studies, Vol. 10, No. 29, pp. 159-185.
- Sequence, Jahanbakhsh, 2001, A Historical Approach to the West's Confrontation with Islam, Bostan's Book of Qom.
- Janipour, Mohammad, Sotoudeh Nia, Mohammad Reza, 1392; Jihad; a Cultural Belief in the Framework of the Islamic Lifestyle, Two Specialist Papers in the Middle of the Holy Qur'an, Fourth Edition, No. 1, pp. 75-92.
- Jafarian, Rasool, 1999, Islamic Revolution of Iran in the New World, Journal of Presence, No.. Pages 114-137.
- Khorramshad, Mohammad Bagher, 2009, Islamic Revolution and Political Islam, Proceedings of Speeches on the Islamic Revolution, by Jalal Darshcheh, Tehran; Imam Sadiq University.
- Darshcheh, Jalal, 2012, Hosseini Faeq, Seyyed Mohammad Mehdi, Dimension of Islamophobia in the United Kingdom after 9/11, Journal of Islamic Revolution Studies, no. 28, pp. 275-298.
- Rabbani Golpayegani, Ali, 1376, Necessity and Mission of Religion, Payam Noor Monthly No. 15. pp. 75-96.
- Rahmanian, Dariush, 1382, Etiology of Death and Longevity of Iranians and Muslims in the View of Dr. Ali Shariati, Allameh Volume 1, No. 4, pp. 128-160.
- Rahmanian, Dariush, 2008, The Criticism of Death of Iranians and Muslims in terms of Mirza Naeini and Professor Motahari Part Two, Allameh Quarterly, No. 3, pp. 154-167.
- Rezaei, Asadollah, 2012, The role of Imam Khomeini in restoring Islamic Iranian identity, the growth of social science education, Winter 2013, No. 57. pp. 55-58.

- Salar, Mohammad, 1382, Cultural Impact of Islamic Revolution in Different Levels of Transnationalization, Quarterly Journal of Islamic Revolution Thought, Second Year, No. 7 & 8, pp. 92-106.
- Shemikh, Mina, 1390, The distortion or inaccuracy of the words of the Qur'an and the Bible, Binath eighteenth, No. 3, Successive 71. Pages 85- 100.
- Shargh-lami, Khalil, 1390, Islamophobia and Islamophobia Ten years after the 9/11 incident, Foreign Policy Quarterly, No. 4, pp. 996-1022.
- Shirudi, Morteza, 2009, Islamic Revolution and Islamic Awakening, Journal of Islamic Revolution Studies, Vol. 5, No. 16. Pages 73-105.
- Shiroudi, Morteza, 2011, Kazemi, Asef, The Role of Western Media Against the Spread of Islam in the West, Speech on Issue No. 14, pp. 137-179.
- Ali Khani, Ali Akbar, 2006, Human Dignity and Violence in Islam, Political Science Research, No. 3, pp. 165 - 191.
- Fratti, Abdul Wahhab, 1391, Shaikh Ahmad, Mehdi, Political Islam, and Al-Qaeda, The Quarterly in Political Studies in the World of Islam, First Year, No. 2, pp. 1 - 34.
- Ghasemi Hamed, Morteza, 1392, A look at the customs and customs of the period of ignorance from the perspectives of the Qur'an and history, Habal al-Muttaqin Quarterly, Second Volume, 3, 4, pp. 74-92.
- Qaradawi, Yousef, 2007, Interpreter Jahandar Amini, Intervention of Violence and Terrorism in Islam, Forough Vahdat, No. 9. pp. 50- 57.
- Ghanbarlu, Abdullah, September 13, 2010, and the spread of the phenomenon of Islamophobia in the West, Contemporary Political Questions, Research Institute for Humanities and Cultural Studies, Year 1, No. 2. Pages 103-122.
- Kariminia, Mohammad Mehdi, 2008, The Role of Islam on Peace and Restrictive Principles of War, Kowsar Education, Fourth Year, No. 5. 57-92.
- Kalantari, Mikael, 2010, The causes of Muslim retardation, Islamic education, year ninth, No. 80. pp. 14-30.
- Moradzai Khatii, Abdolmajid, 2000, Violence in Islam, Call of Islam, No. 2, pp. 58-79.
- Moradi, Majid, 2008, Europe and Islam; a History of Misunderstanding, Pegah Area, No. 250, pp. 26-35.
- Moradi, Mehdi, 2007, European Concepts of Islam, Pegah Hosa, No. 206. pp. 27-31.
- Morshedi Zad, Ali; Ghaffari Hashjin, Zahed; 2007; Islamophobia in Europe; Origins and Factors; Political Knowledge; Third Year, No. II. Pages 113-139.
- Razarmani, Sayed Isa; 1393, Quran and Science, 2014 - No. 15, Pages 129-154.
- Motahhari, Morteza, 1369, End of Prophecy, Tehran, Sadra.
41. Makaram Shirazi, Naser, 1374, The Interpretation of the Holy Quran (Sample Interpretation), Darlcat Sabalamieh, Tehran.
- Mirihamedi, Mostafa, 2005, Sharia of Peace and Mercy, Andisheh Tabriz Magazine No. 3. 63-82.
- Najafi Firouzjaei, Abbas, 1382, Al-Qaeda and Wahhabi think-tanks, Strategic Magazine, No. 27, pp. 232-256.
- Vanaki Farahani, M, 2005, Passing on Religious Thought in the West, Center for Islamic Studies of Sound and Television. Qom: The Voice of the Islamic Republic of Iran, Center for Islamic Studies of Sound and Television.
- Elvira, Mohsen, 1392, Islamic Studies in the West, Publishing: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (position). P. 135.
- Runnymede trust, the Islam phobia: a challenge for us all, London: Runnymede Trust. Form hereon, 1997.

Savage, Timothy, "Europe and Islam: Crescent Waxing, Cultures Clashing", The Washington Quarterly, 2004.